اولین کنفرانس بین‌المللی
مطالعات تطبیقی دانش و نوآوری
در روانشناسی، علوم تربیتی، مدیریت، حقوق و آموزش و پرورش
با رویکرد علوم انسانی

MDOI-01-2026.0039
MNR--1-AFB629

نقش مدیریت آموزشی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان: با تأکید بر راهکارهای حقوقی و تربیتی

مائده رجبی وندچالی، ربابه رجبی

کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی

کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

چکیده

مدیریت آموزشی یکی از عوامل اساسی در ایجاد محیط‌های یادگیری سالم، ارتقای سلامت روانی و اجتماعی دانش‌آموزان و پیشگیری از بروز رفتارهای بزهکارانه در میان نوجوانان به شمار می‌رود. مدارس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و تربیتی، نقش مؤثری در شناسایی عوامل خطر، تقویت ارزش‌های اخلاقی، توسعه مهارت‌های اجتماعی و هدایت رفتارهای نوجوانان ایفا می‌کنند. در این میان، مدیران آموزشی با بهره‌گیری از راهکارهای مدیریتی، تربیتی و حقوقی می‌توانند زمینه مناسبی برای کاهش تعارضات رفتاری، پیشگیری از خشونت، مقابله با قلدری و جلوگیری از گرایش نوجوانان به رفتارهای خلاف قانون فراهم آورند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مدیریت آموزشی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، با تأکید بر راهکارهای حقوقی و تربیتی، به نگارش درآمده است. این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی و تحلیلی تدوین شده و به بررسی ابعاد مختلف مسئولیت مدیران آموزشی در شناسایی رفتارهای پرخطر، ایجاد فضای امن و حمایتگر در مدارس، تقویت همکاری میان خانواده و مدرسه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی در مواجهه با رفتارهای آسیب‌زا می‌پردازد. همچنین، اهمیت اجرای برنامه‌های مشاوره‌ای، آموزش مهارت‌های زندگی، تقویت مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق دانش‌آموزان و اتخاذ رویکردهای اصلاحی به‌جای تنبیه‌های صرف، مورد توجه قرار گرفته است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که مدیریت آموزشی اثربخش، در صورت برخورداری از رویکردی پیشگیرانه، مشارکتی و مبتنی بر اصول حقوقی و تربیتی، می‌تواند در کاهش عوامل زمینه‌ساز بزهکاری و تقویت سازگاری اجتماعی نوجوانان نقش مهمی ایفا کند. بر این اساس، هماهنگی میان مدرسه، خانواده، مشاوران و نهادهای حمایتی و قضایی، از الزامات اساسی تدوین و اجرای راهبردهای جامع پیشگیری از بزهکاری نوجوانان محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها :مدیریت آموزشی، بزهکاری نوجوانان، پیشگیری از بزهکاری، راهکارهای حقوقی، راهکارهای تربیتی، آسیب‌های اجتماعی، حقوق دانش‌آموزان.

مقدمه

بزهکاری نوجوانان یکی از مسائل مهم اجتماعی و تربیتی است که پیامدهای آن می‌تواند علاوه بر زندگی فردی نوجوان، خانواده، محیط آموزشی و سلامت اجتماعی جامعه را نیز تحت تأثیر قرار دهد .دوره نوجوانی به دلیل تغییرات جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی، از حساس‌ترین مراحل رشد انسان محسوب می‌شود و عواملی همچون ضعف نظارت و حمایت خانوادگی، ناکامی تحصیلی، فشار گروه همسالان، تعارضات اجتماعی و فقدان مهارت‌های ارتباطی می‌توانند زمینه‌ساز بروز رفتارهای پرخطر و انحرافات رفتاری شوند .در این میان، مدرسه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیری، ظرفیت قابل‌توجهی برای شناسایی زودهنگام مشکلات رفتاری و فراهم‌کردن زمینه رشد اخلاقی، اجتماعی و مسئولیت‌پذیری نوجوانان دارد .بر این اساس، مدیریت آموزشی صرفاً به اداره امور اجرایی و نظارت بر فرایند یاددهی و یادگیری محدود نمی‌شود، بلکه مسئولیت ایجاد محیطی امن، حمایتگر، عادلانه و متناسب با نیازهای تربیتی دانش‌آموزان را نیز بر عهده دارد .در این زمینه، دیدگاه‌های تربیتی و روان‌شناختی ارائه‌شده در آثار سیف درباره فرایندهای یادگیری و رفتار، و مباحث شکوهی درباره اصول و مبانی آموزش‌وپرورش، بر اهمیت شناخت نیازهای یادگیرندگان، هدایت رفتار و فراهم‌کردن شرایط مناسب برای رشد شخصیت آنان تأکید دارند .همچنین، با توجه به رویکرد حمایتی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹، توجه به حقوق نوجوانان، شناسایی موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و همکاری نهادهای مسئول در حمایت از آنان، از اهمیت حقوقی و اجتماعی ویژه‌ای برخوردار است .ازاین‌رو، مدیران مدارس می‌توانند با تقویت نظام مشاوره و راهنمایی، توسعه آموزش مهارت‌های زندگی، اجرای برنامه‌های پیشگیرانه، ارتقای مشارکت خانواده‌ها و اتخاذ شیوه‌های منصفانه و اصلاحی در مدیریت رفتار دانش‌آموزان، در کاهش عوامل زمینه‌ساز بزهکاری نقش مؤثری ایفا کنند .با این حال، اثربخشی چنین اقداماتی مستلزم آگاهی مدیران از مسئولیت‌های قانونی، برخورداری از توانمندی‌های تربیتی و ایجاد هماهنگی میان مدرسه، خانواده و نهادهای حمایتی است .بر همین اساس، مقاله حاضر با هدف بررسی نقش مدیریت آموزشی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان و با تأکید بر راهکارهای حقوقی و تربیتی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی و تحلیلی تدوین شده است تا

ضمن تبیین مبانی نظری موضوع، ظرفیت‌های مدیریتی، تربیتی و قانونی مدارس را در پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه و حمایت از رشد سالم نوجوانان بررسی کند.

مبانی نظری

مفهوم مدیریت آموزشی و ابعاد آن

مدیریت آموزشی فرایندی نظام‌مند برای برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت، هماهنگی و نظارت بر فعالیت‌های آموزشی با هدف تحقق اهداف تربیتی و ارتقای کیفیت یادگیری است .این مفهوم علاوه بر اداره امور اجرایی مدرسه، ابعادی همچون رهبری آموزشی، مدیریت منابع انسانی، تصمیم‌گیری، ارتباطات سازمانی، ارزشیابی عملکرد و ایجاد محیط یادگیری مناسب را در بر می‌گیرد .در دیدگاه‌های مدیریت آموزشی، مدیر مدرسه مسئول فراهم‌کردن شرایطی است که معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها بتوانند در راستای اهداف مشترک آموزشی و تربیتی فعالیت کنند .علاقه‌مندی به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان ایجاب می‌کند که مدیریت آموزشی به ابعاد شناختی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی تربیت توجه داشته باشد و از محدودشدن وظایف مدیریتی به امور اداری جلوگیری کند .در این چارچوب، مدیریت مشارکتی، ارتباط مؤثر با خانواده‌ها، شناسایی نیازهای دانش‌آموزان و توسعه برنامه‌های حمایتی می‌توانند زمینه پیشگیری از مشکلات رفتاری و اجتماعی را فراهم آورند .علاقه‌مندی به ایجاد نظم و انضباط نیز باید با رعایت کرامت انسانی، عدالت آموزشی و حقوق دانش‌آموزان همراه باشد؛ زیرا مدیریت اثربخش، ضمن حفظ نظم مدرسه، به عوامل زمینه‌ساز تعارض و رفتارهای پرخطر توجه می‌کند .از این منظر، مدیریت آموزشی یکی از ظرفیت‌های مهم نظام تعلیم و تربیت برای تقویت سازگاری اجتماعی و پیشگیری از بزهکاری نوجوانان محسوب می‌شود)علاقه‌بند، ۱۳۸۴؛ شکوهی، ۱۳۸۵).

اهمیت مدیریت آموزشی در نظام تعلیم و تربیت

مدیریت آموزشی در نظام تعلیم و تربیت اهمیت اساسی دارد؛ زیرا کیفیت برنامه‌های درسی، عملکرد معلمان، روابط انسانی مدرسه و فرصت‌های رشد دانش‌آموزان تا اندازه زیادی از نحوه مدیریت و رهبری آموزشی تأثیر می‌پذیرد .مدیر آموزشی با تعیین اهداف روشن، توزیع مناسب منابع، حمایت از معلمان، نظارت بر فرایندهای یادگیری و ایجاد هماهنگی میان عوامل مدرسه می‌تواند شرایط لازم را برای تحقق اهداف آموزشی و تربیتی فراهم سازد .اهمیت این نقش زمانی بیشتر آشکار می‌شود که مدرسه با مسائلی مانند افت تحصیلی، غیبت مکرر،

تعارض میان دانش‌آموزان، خشونت، قلدری و سایر رفتارهای پرخطر مواجه باشد .مدیریت کارآمد به‌جای برخوردهای شتاب‌زده و تنبیهی، تلاش می‌کند علل فردی، خانوادگی و محیطی مشکلات را شناسایی کرده و با استفاده از ظرفیت معلمان، مشاوران و خانواده‌ها، مداخلات مناسب را طراحی کند .همچنین، ایجاد فضای امن، تقویت احساس تعلق به مدرسه، رعایت عدالت در برخورد با دانش‌آموزان و فراهم‌کردن فرصت مشارکت آنان در فعالیت‌های جمعی می‌تواند احتمال شکل‌گیری رفتارهای ناسازگارانه را کاهش دهد .بر اساس دیدگاه‌های مطرح‌شده در منابع مدیریت آموزشی، اثربخشی مدرسه تنها با شاخص‌های تحصیلی سنجیده نمی‌شود، بلکه رشد اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و پرورش شخصیت دانش‌آموزان نیز از معیارهای مهم موفقیت آن است . بنابراین، مدیریت آموزشی با ایجاد پیوند میان آموزش، تربیت و حمایت اجتماعی می‌تواند در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان و ارتقای سلامت محیط مدرسه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد)علاقه‌بند، ۱۳۸۴؛ شکوهی، ۱۳۸۵).

مفهوم بزهکاری نوجوانان و ویژگی‌های آن

بزهکاری نوجوانان به مجموعه رفتارهایی گفته می‌شود که از سوی افراد نوجوان انجام می‌گیرد و با قوانین کیفری یا مقررات قانونی مرتبط با حمایت از جامعه و حقوق دیگران تعارض دارد .این مفهوم باید از رفتارهای نامطلوب، تخلفات انضباطی مدرسه و ناسازگاری‌های معمول دوره نوجوانی متمایز شود؛ زیرا هر رفتار ناپسند یا تخلف آموزشی الزاماً بزه محسوب نمی‌شود و تشخیص بزهکاری تابع ماهیت رفتار و مقررات قانونی مربوط است . نوجوانی دوره‌ای از رشد است که با تغییرات هیجانی، افزایش اهمیت گروه همسالان، شکل‌گیری هویت مستقل و تحول در شیوه تصمیم‌گیری همراه می‌شود؛ ازاین‌رو، شرایط محیطی و کیفیت حمایت‌های خانوادگی و آموزشی می‌توانند در مسیر رفتاری نوجوان تأثیرگذار باشند .رفتارهای بزهکارانه ممکن است به شکل پرخاشگری، تخریب اموال، سرقت، تهدید، خشونت یا سایر اعمال ممنوع قانونی بروز کنند، اما شکل، شدت و تداوم آن‌ها در افراد مختلف یکسان نیست .در تحلیل این پدیده، ضروری است میان رفتارهای موردی و رفتارهای تکرارشونده تمایز قائل شد و از برچسب‌زنی به نوجوانان پرهیز کرد؛ زیرا نسبت‌دادن هویت ثابت بزهکارانه به فرد می‌تواند فرصت اصلاح، بازگشت به مسیر تحصیلی و سازگاری اجتماعی را محدود کند .قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ نیز بر حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر و توجه به شرایط آسیب‌زا تأکید دارد .در نتیجه، شناخت بزهکاری نوجوانان مستلزم رویکردی چندبعدی است که هم مسئولیت قانونی را در نظر بگیرد و

هم زمینه‌های رشد، حمایت، اصلاح رفتار و بازپذیری اجتماعی را مورد توجه قرار دهد)قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹؛ نجفی ابرندآبادی، مباحث جرم‌شناسی).

عوامل فردی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان

عوامل فردی از جمله متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری رفتارهای پرخطر و بزهکارانه نوجوانان هستند، اما تأثیر آن‌ها را نمی‌توان مستقل از شرایط خانوادگی، آموزشی و اجتماعی بررسی کرد .ویژگی‌هایی مانند ضعف خودکنترلی، دشواری در تنظیم هیجان، تکانشگری، تحمل پایین ناکامی، ضعف مهارت حل مسئله و ناتوانی در پیش‌بینی پیامدهای رفتار ممکن است احتمال درگیری نوجوان در موقعیت‌های پرخطر را افزایش دهند . همچنین، تجربه شکست تحصیلی، احساس بی‌ارزشی، ناکامی در برقراری روابط اجتماعی و ناتوانی در مدیریت خشم می‌تواند زمینه بروز رفتارهای پرخاشگرانه یا قانون‌گریزانه را فراهم سازد .بااین‌حال، وجود هیچ‌یک از این ویژگی‌ها به‌تنهایی به معنای بزهکارشدن نوجوان نیست؛ زیرا حمایت اجتماعی، روابط مثبت با بزرگسالان، فرصت‌های یادگیری و دسترسی به خدمات مشاوره‌ای می‌توانند نقش محافظتی داشته باشند .در محیط مدرسه، مدیران و معلمان با مشاهده تغییرات ناگهانی در رفتار، افت تحصیلی، انزوای اجتماعی، تعارض‌های مکرر و مشکلات کنترل هیجان می‌توانند نیاز دانش‌آموز به حمایت تخصصی را شناسایی کنند .آموزش مهارت‌های خودآگاهی، کنترل خشم، تصمیم‌گیری مسئولانه و حل تعارض نیز می‌تواند ظرفیت نوجوان را برای مقابله سازنده با موقعیت‌های دشوار افزایش دهد .از دیدگاه آسیب‌شناسی اجتماعی، توجه به تعامل عوامل فردی و محیطی و پرهیز از قضاوت‌های قطعی درباره شخصیت نوجوان، از اصول مهم طراحی مداخلات پیشگیرانه به شمار می‌رود)ستوده، مباحث آسیب‌شناسی اجتماعی؛ سیف، مباحث روان‌شناسی پرورشی).

عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان

خانواده نخستین محیط اجتماعی‌شدن فرد است و کیفیت روابط میان اعضای آن می‌تواند در شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری و توانایی نوجوان در رعایت هنجارهای اجتماعی نقش مهمی داشته باشد . ضعف نظارت والدین، تعارض‌های شدید خانوادگی، خشونت خانگی، بی‌توجهی عاطفی، نبود قواعد روشن و ناهماهنگی در شیوه‌های تربیتی ممکن است احتمال بروز رفتارهای پرخطر را افزایش دهد .در مقابل، روابط عاطفی پایدار، گفت‌وگوی سازنده، نظارت متناسب با سن، تعیین مرزهای رفتاری روشن و حمایت از استقلال

مسئولانه نوجوان می‌تواند از عوامل محافظتی در برابر بزهکاری باشد .همچنین، مشکلات اقتصادی، اعتیاد در محیط خانواده، جدایی والدین همراه با تعارض شدید و فقدان حمایت اجتماعی ممکن است فشارهای روانی و تربیتی بیشتری بر نوجوان وارد کند؛ بااین‌حال، هیچ‌یک از این شرایط به‌تنهایی سرنوشت رفتاری فرد را تعیین نمی‌کند .در این زمینه، مدیریت آموزشی می‌تواند با برگزاری نشست‌های آگاه‌سازی والدین، ارائه آموزش‌های فرزندپروری، تقویت ارتباط منظم خانه و مدرسه و شناسایی نیازهای حمایتی دانش‌آموزان، در کاهش آثار عوامل خطر نقش ایفا کند .همکاری مدیر، مشاور و خانواده باید با رعایت محرمانگی اطلاعات، احترام به حقوق نوجوان و پرهیز از سرزنش خانواده همراه باشد .در مواردی که نشانه‌های جدی از آزار، غفلت یا قرارگرفتن نوجوان در وضعیت مخاطره‌آمیز مشاهده می‌شود، اقدام حمایتی باید مطابق قوانین و ضوابط مربوط صورت گیرد .بنابراین، خانواده و مدرسه با همکاری مستمر می‌توانند محیطی فراهم کنند که در آن نیازهای عاطفی و تربیتی نوجوان بهتر پاسخ داده شود و زمینه بروز رفتارهای بزهکارانه کاهش یابد)ستوده، مباحث آسیب‌شناسی اجتماعی؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان

رفتار نوجوانان در بستر روابط اجتماعی، هنجارهای فرهنگی و فرصت‌های موجود در جامعه شکل می‌گیرد؛ ازاین‌رو، تحلیل بزهکاری بدون توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ناقص خواهد بود .فشار گروه همسالان، عادی‌شدن خشونت در برخی محیط‌ها، تبعیض، طرد اجتماعی، محرومیت از فرصت‌های آموزشی و تفریحی، ضعف پیوند با نهادهای اجتماعی و مواجهه مستمر با الگوهای رفتاری قانون‌گریز می‌توانند زمینه‌ساز افزایش رفتارهای پرخطر شوند .همچنین، نحوه استفاده از فضای مجازی و مواجهه با محتوای خشونت‌آمیز، آزار اینترنتی و تشویق به رفتارهای آسیب‌زا ممکن است بر نگرش‌ها و تصمیم‌های برخی نوجوانان اثر بگذارد .بااین‌حال، نباید عوامل فرهنگی یا اقتصادی را به‌صورت ساده‌انگارانه علت مستقیم بزهکاری دانست؛ زیرا بسیاری از نوجوانانی که در شرایط دشوار اجتماعی زندگی می‌کنند، با اتکا به حمایت خانواده، آموزش مناسب و روابط مثبت، مسیر سازگاری اجتماعی را طی می‌کنند .مدرسه می‌تواند از طریق توسعه فعالیت‌های گروهی سالم، گسترش فرصت‌های ورزشی و فرهنگی، آموزش سواد رسانه‌ای، تقویت احترام به تفاوت‌ها و مقابله با تبعیض و قلدری، عوامل محافظتی را تقویت کند .مدیران آموزشی همچنین می‌توانند با نهادهای فرهنگی، اجتماعی و حمایتی ارتباط برقرار کنند تا دانش‌آموزان در معرض خطر به خدمات مناسب دسترسی پیدا کنند .رویکرد آسیب‌شناسی

اجتماعی بر این نکته تأکید دارد که رفتارهای انحرافی حاصل تعامل پیچیده ویژگی‌های فردی با ساختار روابط اجتماعی و شرایط محیطی هستند؛ بنابراین، پیشگیری اثربخش باید علاوه بر آموزش فردی، به اصلاح محیط‌های آسیب‌زا و گسترش فرصت‌های مشارکت اجتماعی نیز توجه کند)ستوده، مباحث آسیب‌شناسی اجتماعی؛ محسنی تبریزی، مباحث کجروی اجتماعی).

نقش مدرسه در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان

مدرسه پس از خانواده یکی از مهم‌ترین محیط‌های اجتماعی‌شدن نوجوانان است و می‌تواند با فراهم‌کردن فرصت‌های یادگیری، ایجاد روابط حمایتی و آموزش هنجارهای اجتماعی، نقش مهمی در پیشگیری از بزهکاری ایفا کند .محیط آموزشی سالم به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های ارتباطی، مسئولیت‌پذیری، احترام به حقوق دیگران، همکاری و حل اختلاف را در موقعیت‌های واقعی تمرین کنند .در مقابل، تجربه مکرر تحقیر، تبعیض، طردشدن از سوی همسالان، قلدری و بی‌توجهی به مشکلات دانش‌آموزان ممکن است احساس تعلق آنان به مدرسه را تضعیف کند و زمینه‌ساز غیبت، افت تحصیلی و رفتارهای ناسازگارانه شود .مدرسه برای ایفای نقش پیشگیرانه باید نظامی روشن برای شناسایی نشانه‌های هشداردهنده، رسیدگی منصفانه به تعارض‌ها، ارجاع به مشاور و حمایت از دانش‌آموزان در معرض خطر داشته باشد .همچنین، برگزاری فعالیت‌های ورزشی، هنری، فرهنگی و مشارکتی می‌تواند فرصت‌های سالمی برای ابراز توانایی‌ها و شکل‌گیری روابط مثبت فراهم سازد . پیشگیری در مدرسه نباید به برخورد پس از وقوع تخلف محدود شود، بلکه لازم است برنامه‌های همگانی برای تمام دانش‌آموزان، حمایت هدفمند از افراد در معرض خطر و مداخلات تخصصی در موقعیت‌های جدی را در بر گیرد .چنین رویکردی با اصول حمایت از اطفال و نوجوانان و توجه به مصلحت و حقوق آنان هماهنگ است . بنابراین، مدرسه زمانی به نهادی مؤثر در پیشگیری از بزهکاری تبدیل می‌شود که آموزش علمی را با تربیت اجتماعی، حمایت روانی و ایجاد محیطی امن و عادلانه پیوند دهد)شکوهی، ۱۳۸۵؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

نقش مدیران مدارس در شناسایی و پیشگیری از رفتارهای پرخطر

مدیران مدارس به دلیل دسترسی به اطلاعات آموزشی، ارتباط مستمر با معلمان و امکان هماهنگی میان عوامل مدرسه، جایگاه مهمی در شناسایی زودهنگام رفتارهای پرخطر نوجوانان دارند .نشانه‌هایی مانند تغییر محسوس در عملکرد تحصیلی، غیبت‌های مکرر، درگیری‌های پی‌درپی، تهدید همسالان، انزوای ناگهانی، تخریب اموال یا

گزارش‌های مربوط به آزار دانش‌آموزان می‌توانند ضرورت بررسی بیشتر وضعیت دانش‌آموز را مطرح کنند؛ بااین‌حال، هیچ نشانه منفردی برای نتیجه‌گیری قطعی درباره احتمال بزهکاری کافی نیست .مدیر باید با جمع‌آوری اطلاعات مرتبط، گفت‌وگوی محترمانه با دانش‌آموز، مشورت با مشاور و برقراری ارتباط مناسب با خانواده، علت‌های احتمالی مشکل را بررسی کند و از برچسب‌زنی یا انتشار اطلاعات محرمانه بپرهیزد . برنامه‌ریزی برای پیشگیری از رفتارهای پرخطر شامل تدوین دستورالعمل‌های روشن برای گزارش‌دهی، رسیدگی به خشونت و قلدری، آموزش کارکنان، ارجاع موارد نیازمند حمایت تخصصی و پیگیری وضعیت دانش‌آموز پس از مداخله است .در موقعیت‌هایی که احتمال آزار، بهره‌کشی یا خطر جدی برای کودک یا نوجوان وجود دارد، مدیر باید مطابق الزامات قانونی و ضوابط حمایتی اقدام کند و موضوع را صرفاً به رسیدگی انضباطی داخلی محدود نسازد .مدیریت اثربخش همچنین مستلزم ثبت دقیق و محرمانه رویدادها، رعایت تناسب اقدامات با شرایط و توجه به حقوق همه افراد درگیر است .بر این اساس، نقش مدیر مدرسه از کنترل رفتار فراتر می‌رود و شامل هماهنگ‌سازی منابع حمایتی، ایجاد فرهنگ گزارش‌دهی ایمن و فراهم‌کردن شرایط بازگشت موفق دانش‌آموز به فرایند یادگیری نیز می‌شود)علاقه‌بند، ۱۳۸۴؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

تأثیر جوّ سازمانی مدرسه بر رفتارهای اجتماعی نوجوانان

جوّ سازمانی مدرسه به مجموعه ادراک‌ها و برداشت‌های مشترک دانش‌آموزان، معلمان و کارکنان درباره کیفیت روابط انسانی، شیوه مدیریت، قواعد انضباطی، عدالت، امنیت روانی و فرهنگ حاکم بر محیط آموزشی اشاره دارد .این جوّ می‌تواند بر احساس تعلق دانش‌آموزان، انگیزه تحصیلی، اعتماد به کارکنان مدرسه و نحوه تعامل آنان با همسالان تأثیر بگذارد .هنگامی که محیط مدرسه بر احترام متقابل، مشارکت، حمایت عاطفی، عدالت و برخورد منصفانه استوار باشد، دانش‌آموزان فرصت بیشتری برای یادگیری رفتارهای اجتماعی مطلوب و حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها خواهند داشت .در مقابل، تبعیض، تحقیر، تنبیه نامتناسب، بی‌توجهی به قلدری و فقدان ارتباط مؤثر میان دانش‌آموزان و کارکنان ممکن است احساس ناامنی و بی‌اعتمادی را افزایش دهد و زمینه شکل‌گیری رفتارهای ناسازگارانه را فراهم کند .مدیران مدارس از طریق تقویت فرهنگ سازمانی مشارکتی، شفاف‌سازی مقررات، فراهم‌کردن امکان بیان نگرانی‌ها و رسیدگی منصفانه به شکایت‌ها می‌توانند کیفیت جوّ مدرسه را ارتقا دهند .همچنین، مشارکت دانش‌آموزان در تدوین قواعد رفتاری و فعالیت‌های جمعی، احساس مسئولیت و تعلق آنان را تقویت می‌کند .از منظر مدیریت آموزشی، جوّ مطلوب مدرسه یکی از عوامل محافظتی

در برابر آسیب‌های رفتاری محسوب می‌شود؛ هرچند به‌تنهایی برای پیشگیری از تمام اشکال بزهکاری کافی نیست و باید با خدمات مشاوره‌ای، آموزش مهارت‌های زندگی و حمایت خانواده همراه شود .بنابراین، ایجاد محیطی امن، عادلانه و حمایتگر می‌تواند زمینه رشد اجتماعی نوجوانان را تقویت کرده و احتمال بروز برخی رفتارهای پرخطر را کاهش دهد)علاقه‌بند، ۱۳۸۴؛ شکوهی، ۱۳۸۵).

نقش تربیت اخلاقی و پرورش ارزش‌های اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری

تربیت اخلاقی فرایندی است که از طریق آن فرد با ارزش‌هایی مانند صداقت، مسئولیت‌پذیری، احترام به حقوق دیگران، عدالت، همدلی و رعایت قواعد اجتماعی آشنا می‌شود و به‌تدریج توانایی به‌کارگیری آن‌ها را در موقعیت‌های واقعی زندگی کسب می‌کند .اهمیت تربیت اخلاقی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان به این دلیل است که رفتار قانون‌مدارانه صرفاً با نظارت بیرونی و ترس از مجازات شکل نمی‌گیرد، بلکه به درونی‌شدن ارزش‌ها و رشد توانایی تشخیص درست از نادرست نیز وابسته است .مدرسه می‌تواند از طریق محتوای آموزشی، رفتار الگووار معلمان، فعالیت‌های گروهی، گفت‌وگو درباره موقعیت‌های اخلاقی و فراهم‌کردن فرصت مشارکت مسئولانه، زمینه رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان را فراهم کند .تأکید بر همدلی، درک پیامدهای رفتار، پذیرش مسئولیت اشتباه و جبران آسیب واردشده می‌تواند به نوجوان کمک کند تا هنگام مواجهه با فشار همسالان یا تعارض‌های بین‌فردی، تصمیم‌های سنجیده‌تری بگیرد .در این فرایند، رفتار و عملکرد مدیران و معلمان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بی‌عدالتی، تبعیض یا برخوردهای تحقیرآمیز می‌تواند پیام تربیتی مدرسه را تضعیف کند . تربیت اخلاقی اثربخش باید با احترام به شخصیت نوجوان، گفت‌وگوی انتقادی و پرهیز از تحمیل صوری ارزش‌ها همراه باشد .همچنین، پیوند میان آموزش اخلاقی و قواعد قانونی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا ضرورت رعایت حقوق دیگران و مسئولیت اجتماعی خود را بهتر درک کنند .بر این اساس، تربیت اخلاقی در کنار حمایت روانی، روابط مثبت اجتماعی و مدیریت عادلانه مدرسه می‌تواند یکی از پایه‌های پیشگیری تربیتی از بزهکاری نوجوانان باشد)شکوهی، ۱۳۸۵؛ سیف، مباحث روان‌شناسی پرورشی).

نقش آموزش مهارت‌های زندگی در کاهش رفتارهای بزهکارانه

مهارت‌های زندگی مجموعه‌ای از توانایی‌های شناختی، هیجانی و ارتباطی هستند که به فرد کمک می‌کنند با مسائل روزمره، فشارهای اجتماعی و موقعیت‌های دشوار به شیوه‌ای سازنده مواجه شود .مهارت‌هایی مانند خودآگاهی، همدلی، ارتباط مؤثر، تصمیم‌گیری، تفکر نقادانه، حل مسئله، مدیریت استرس و کنترل خشم در

دوره نوجوانی اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا نوجوانان در این مرحله با تغییرات عاطفی و اجتماعی و افزایش تأثیرپذیری از گروه همسالان روبه‌رو هستند .ضعف در این مهارت‌ها ممکن است توانایی فرد را در مدیریت تعارض، مقاومت در برابر فشارهای منفی و پیش‌بینی پیامدهای تصمیم‌ها محدود کند و در برخی شرایط احتمال بروز رفتارهای پرخطر را افزایش دهد .مدارس می‌توانند آموزش مهارت‌های زندگی را از طریق فعالیت‌های گروهی، ایفای نقش، تحلیل موقعیت‌های واقعی، بحث هدایت‌شده و تمرین راهبردهای حل اختلاف در برنامه‌های تربیتی خود بگنجانند .برای مثال، آموزش روش‌های بیان محترمانه مخالفت، توقف واکنش‌های تکانشی، درخواست کمک از بزرگسالان مورد اعتماد و ارزیابی پیامدهای تصمیم‌ها می‌تواند به دانش‌آموزان در مواجهه با فشار همسالان کمک کند .اثربخشی این آموزش‌ها به استمرار تمرین، تناسب محتوا با سن دانش‌آموزان، توانمندی مربیان و حمایت محیط خانواده وابسته است .همچنین، آموزش مهارت‌های زندگی نباید جایگزین رسیدگی به عوامل ساختاری، مشکلات خانوادگی یا نیازهای تخصصی روان‌شناختی شود، بلکه باید بخشی از برنامه جامع پیشگیری باشد .در نتیجه، ادغام آموزش مهارت‌های زندگی با مشاوره مدرسه، تربیت اخلاقی و مدیریت حمایتی می‌تواند ظرفیت نوجوانان را برای انتخاب رفتارهای مسئولانه و سازگارانه تقویت کند)سیف، مباحث روان‌شناسی پرورشی؛ سازمان بهداشت جهانی، چارچوب آموزش مهارت‌های زندگی).

نقش مشاوره مدرسه در شناسایی و کنترل رفتارهای پرخطر

مشاوره مدرسه یکی از سازوکارهای حمایتی مهم در نظام تعلیم و تربیت است که با شناسایی نیازهای روان‌شناختی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموزان، به پیشگیری از مشکلات رفتاری و ارتقای سازگاری آنان کمک می‌کند .مشاوران مدارس می‌توانند با استفاده از مصاحبه حرفه‌ای، مشاهده، گفت‌وگو با معلمان و بررسی اطلاعات مرتبط، نشانه‌هایی مانند افت تحصیلی ناگهانی، اضطراب شدید، انزوای اجتماعی، تعارض‌های مکرر و مشکلات کنترل خشم را شناسایی کنند .هدف این فرایند، تشخیص زودهنگام نیاز به حمایت و طراحی مداخله متناسب است، نه برچسب‌زدن به دانش‌آموز یا پیش‌بینی قطعی بزهکاری بر اساس نشانه‌های رفتاری . مشاوره فردی، آموزش گروهی مهارت‌های اجتماعی، تقویت خودکنترلی، میانجی‌گری در تعارض‌های مناسب و ارجاع به خدمات تخصصی در صورت ضرورت، از جمله راهکارهای قابل استفاده در این حوزه هستند .همکاری مشاور با مدیر، معلمان و خانواده می‌تواند موجب شود که مداخلات به‌صورت هماهنگ و مستمر انجام گیرند و وضعیت دانش‌آموز پس از اجرای برنامه حمایتی نیز پیگیری شود .در این میان، رعایت محرمانگی اطلاعات،

احترام به کرامت دانش‌آموز و توجه به حدود حرفه‌ای و الزامات قانونی اهمیت اساسی دارد؛ به‌ویژه در موقعیت‌هایی که خطر جدی برای نوجوان یا دیگران مطرح است و اقدامات حمایتی یا قانونی ضرورت پیدا می‌کند .مشاوره مدرسه زمانی بیشترین اثربخشی را خواهد داشت که به‌جای مداخله صرفاً پس از بروز بحران، در قالب برنامه‌ای مستمر برای ارتقای سلامت روانی، پیشگیری از رفتارهای پرخطر و تقویت سازگاری اجتماعی فعالیت کند)سیف، مباحث روان‌شناسی پرورشی؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

تأثیر رابطه معلم و دانش‌آموز بر پیشگیری از بزهکاری

رابطه معلم و دانش‌آموز یکی از مؤلفه‌های مهم محیط تربیتی مدرسه است و کیفیت آن می‌تواند بر احساس امنیت، تعلق، انگیزه تحصیلی و رفتارهای اجتماعی نوجوانان تأثیر بگذارد .هنگامی که دانش‌آموز معلم را فردی منصف، قابل‌اعتماد، حمایتگر و در عین حال پایبند به قواعد روشن بداند، احتمال بیشتری وجود دارد که مشکلات خود را مطرح کند، بازخوردهای تربیتی را بپذیرد و در فعالیت‌های آموزشی مشارکت داشته باشد .در مقابل، تحقیر، تبعیض، تهدید مکرر، بی‌توجهی به نیازهای فردی و برخوردهای غیرقابل‌پیش‌بینی ممکن است اعتماد دانش‌آموز را تضعیف کرده و تعارض میان او و محیط مدرسه را افزایش دهد .معلم از طریق مشاهده روزانه رفتار دانش‌آموزان می‌تواند تغییرات مهم در روابط همسالان، مشارکت کلاسی، حضور در مدرسه و وضعیت عاطفی آنان را تشخیص دهد و در صورت نیاز، موضوع را با رعایت محرمانگی به مشاور یا مدیر ارجاع دهد .همچنین، ارائه بازخورد سازنده، تشویق رفتارهای مسئولانه، فرصت‌دادن برای اصلاح اشتباه و مدیریت منصفانه تعارض‌ها می‌تواند به تقویت خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان کمک کند .این رابطه نباید به وابستگی عاطفی یا نادیده‌گرفتن مقررات منجر شود، بلکه باید بر مرزهای حرفه‌ای، احترام متقابل و انتظارات روشن استوار باشد .ازاین‌رو، تقویت توانمندی‌های ارتباطی و تربیتی معلمان و فراهم‌کردن حمایت مدیریتی از آنان می‌تواند بخشی از راهبرد مدرسه برای پیشگیری از رفتارهای پرخطر و افزایش سازگاری اجتماعی نوجوانان باشد)شکوهی، ۱۳۸۵؛ سیف، مباحث روان‌شناسی پرورشی).

نقش مشارکت خانواده در برنامه‌های پیشگیرانه مدارس

مشارکت خانواده در برنامه‌های پیشگیرانه مدارس به معنای همکاری مستمر و هدفمند والدین با مدیران، معلمان و مشاوران برای حمایت از رشد تحصیلی، اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان است .خانواده‌ها از طریق شناخت بهتر ویژگی‌های رفتاری، شرایط عاطفی و تجربه‌های روزمره نوجوانان می‌توانند اطلاعات ارزشمندی

درباره نیازهای آنان در اختیار مدرسه قرار دهند؛ در مقابل، مدرسه نیز می‌تواند والدین را از تغییرات تحصیلی، مشکلات ارتباطی و نشانه‌های نیازمند حمایت آگاه سازد .این تبادل اطلاعات در صورتی اثربخش خواهد بود که بر اعتماد متقابل، احترام، محرمانگی و پرهیز از سرزنش استوار باشد .برگزاری نشست‌های آموزشی درباره شیوه‌های فرزندپروری، مدیریت تعارض، نظارت متناسب با سن، استفاده ایمن از فضای مجازی و شناسایی رفتارهای پرخطر، از جمله اقداماتی است که می‌تواند توانمندی خانواده‌ها را افزایش دهد .همچنین، تدوین برنامه حمایتی مشترک برای دانش‌آموزانی که با غیبت مکرر، افت تحصیلی یا مشکلات رفتاری مواجه هستند، به هماهنگی بیشتر میان خانه و مدرسه کمک می‌کند .مشارکت خانواده نباید به حضور در جلسات رسمی محدود شود، بلکه لازم است امکان گفت‌وگوی دوطرفه، ارائه پیشنهاد و پیگیری نتایج اقدامات فراهم باشد .در مواردی که خانواده با مشکلات جدی یا محدودیت منابع مواجه است، مدرسه باید به‌جای مقصرشناختن والدین، در چارچوب اختیارات خود به شناسایی خدمات حمایتی و ارجاع مناسب کمک کند .با توجه به تأکید قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بر حمایت از افراد در معرض خطر، هماهنگی میان خانواده، مدرسه و نهادهای مسئول می‌تواند به شناسایی زودهنگام آسیب‌ها و اجرای مداخلات متناسب کمک کند .بنابراین، مشارکت خانواده یکی از ارکان مدیریت آموزشی پیشگیرانه است که با تقویت پیوستگی تربیتی میان خانه و مدرسه، زمینه کاهش عوامل خطر و رشد سالم نوجوانان را فراهم می‌سازد)علاقه‌بند، ۱۳۸۴؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

اهمیت همکاری مدرسه، خانواده و نهادهای اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری

پیشگیری از بزهکاری نوجوانان مستلزم همکاری هماهنگ میان مدرسه، خانواده و نهادهای اجتماعی است؛ زیرا عوامل مؤثر بر رفتار نوجوانان معمولاً به یک محیط خاص محدود نمی‌شوند و از تعامل شرایط فردی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرند .خانواده با تأمین حمایت عاطفی، نظارت متناسب و آموزش ارزش‌های اخلاقی، مدرسه با شناسایی مشکلات رفتاری و ارائه حمایت‌های تربیتی و نهادهای اجتماعی با فراهم‌کردن خدمات مشاوره‌ای، حمایتی و فرهنگی می‌توانند در کاهش عوامل خطر نقش مکمل داشته باشند .فقدان ارتباط مؤثر میان این نهادها ممکن است موجب تأخیر در شناسایی مشکلات، ناهماهنگی در اقدامات حمایتی و استمرار شرایط آسیب‌زا شود .در مقابل، تشکیل گروه‌های هماهنگی میان مدیران، مشاوران، والدین و کارشناسان اجتماعی، تبادل اطلاعات ضروری با رعایت محرمانگی و طراحی برنامه‌های مشترک می‌تواند اثربخشی اقدامات

پیشگیرانه را افزایش دهد .همچنین، همکاری با نهادهای مسئول حمایت از کودکان و نوجوانان در مواردی که نشانه‌های آزار، غفلت یا قرارگرفتن دانش‌آموز در وضعیت مخاطره‌آمیز وجود دارد، اهمیت ویژه‌ای دارد .قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ نیز با پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی و تعیین تکالیف برای اشخاص و نهادهای مسئول، بر ضرورت توجه به وضعیت کودکان و نوجوانان در معرض خطر تأکید می‌کند . بنابراین، مدیریت آموزشی باید زمینه تعامل مستمر مدرسه با خانواده و نهادهای اجتماعی را فراهم سازد تا پیشگیری از بزهکاری به اقدامی مقطعی و منفرد محدود نشود، بلکه در قالب نظامی پیوسته، حمایتی و مبتنی بر تقسیم مسئولیت دنبال شود)علاقه‌بند، ۱۳۸۴؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

مفهوم پیشگیری از بزهکاری و رویکردهای اساسی آن

پیشگیری از بزهکاری به مجموعه اقدامات هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده‌ای گفته می‌شود که با هدف کاهش احتمال وقوع رفتارهای مجرمانه، محدودکردن عوامل خطر و تقویت عوامل محافظتی در سطح فرد، خانواده، مدرسه و جامعه انجام می‌گیرد .این مفهوم صرفاً به جلوگیری از وقوع جرم محدود نیست، بلکه شناسایی زودهنگام شرایط آسیب‌زا، ارتقای مهارت‌های اجتماعی، حمایت از نوجوانان در معرض خطر و فراهم‌کردن فرصت اصلاح رفتار را نیز شامل می‌شود .در ادبیات جرم‌شناسی، پیشگیری را می‌توان در قالب رویکردهای اجتماعی، تربیتی، وضعی و رشدمدار بررسی کرد .پیشگیری اجتماعی بر بهبود شرایط زندگی، تقویت حمایت خانوادگی و افزایش فرصت‌های مشارکت اجتماعی تمرکز دارد؛ پیشگیری تربیتی بر آموزش ارزش‌ها، مهارت‌های زندگی، خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری تأکید می‌کند؛ و پیشگیری وضعی با کاهش فرصت‌های وقوع رفتار مجرمانه و افزایش ایمنی محیط ارتباط دارد .در رویکرد رشدمدار نیز مداخله متناسب با مراحل رشد کودک و نوجوان و شناسایی زودهنگام نیازهای حمایتی اهمیت دارد .در محیط مدرسه، این رویکردها می‌توانند از طریق آموزش همگانی، حمایت هدفمند از دانش‌آموزان در معرض خطر و ارجاع تخصصی موارد پیچیده اجرا شوند .انتخاب روش پیشگیری باید با ماهیت مشکل، ویژگی‌های نوجوان، میزان خطر و الزامات حقوقی متناسب باشد .ازاین‌رو، پیشگیری اثربخش مستلزم ترکیب راهبردهای آموزشی، حمایتی و قانونی است و نباید به تنبیه پس از وقوع تخلف یا نظارت انضباطی صرف محدود شود)نجفی ابرندآبادی، مباحث جرم‌شناسی؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

نقش راهبردهای تربیتی در اصلاح رفتار نوجوانان بزهکار

راهبردهای تربیتی مجموعه‌ای از روش‌ها و مداخلات هدفمند هستند که با هدف اصلاح رفتار، تقویت مسئولیت‌پذیری، بهبود مهارت‌های اجتماعی و فراهم‌کردن زمینه بازگشت نوجوان به زندگی تحصیلی و اجتماعی سالم به کار گرفته می‌شوند .در برخورد با نوجوانانی که مرتکب رفتارهای بزهکارانه شده‌اند، رویکرد تربیتی باید ضمن توجه به مسئولیت فرد در قبال رفتار خود، شرایط رشد، نیازهای عاطفی و عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار را نیز در نظر بگیرد .آموزش مهارت‌های حل مسئله، مدیریت خشم، کنترل تکانه، همدلی، تصمیم‌گیری مسئولانه و برقراری ارتباط مؤثر می‌تواند به نوجوان کمک کند تا در موقعیت‌های مشابه از واکنش‌های آسیب‌زا فاصله بگیرد .همچنین، گفت‌وگوی فردی، مشاوره، آموزش جبرانی، فعالیت‌های گروهی و مشارکت در برنامه‌های اجتماعی سالم می‌توانند فرصت‌هایی برای تجربه موفقیت و تقویت احساس تعلق فراهم آورند .در این فرایند، استفاده از تنبیه‌های تحقیرآمیز، طرد اجتماعی و برچسب‌زنی ممکن است روابط نوجوان با محیط آموزشی را تضعیف کند؛ بنابراین، اقدامات تربیتی باید بر احترام به کرامت انسانی، تناسب مداخله با رفتار و امکان اصلاح استوار باشند .مدیران مدارس نیز باید با همکاری مشاوران، خانواده‌ها و متخصصان ذی‌ربط، برنامه‌ای متناسب با نیازهای هر دانش‌آموز تدوین و نتایج آن را پیگیری کنند .البته اصلاح رفتار در مواردی که جرم واقع شده است، جایگزین فرایندهای قانونی لازم نیست، بلکه می‌تواند در چارچوب حقوق نوجوان و مقررات مربوط دنبال شود .در نتیجه، راهبردهای تربیتی هنگامی اثربخش‌تر خواهند بود که به‌صورت مستمر، متناسب با شرایط فردی و همراه با حمایت محیطی اجرا شوند)سیف، مباحث روان‌شناسی پرورشی؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

نقش انضباط آموزشی و مدیریت رفتار دانش‌آموزان در پیشگیری از بزهکاری

انضباط آموزشی به مجموعه قواعد، انتظارات و رویه‌هایی اشاره دارد که برای ایجاد نظم، حفظ امنیت، حمایت از یادگیری و تنظیم روابط اجتماعی در محیط مدرسه تدوین و اجرا می‌شوند .هدف اصلی انضباط آموزشی نباید صرفاً کنترل ظاهری رفتار دانش‌آموزان باشد، بلکه لازم است به رشد خودانضباطی، مسئولیت‌پذیری، احترام به حقوق دیگران و توانایی حل تعارض نیز کمک کند .مقررات روشن، قابل‌فهم و متناسب با سن دانش‌آموزان، هنگامی که به‌صورت عادلانه و باثبات اجرا شوند، می‌توانند از ابهام در انتظارات رفتاری بکاهند و زمینه مدیریت سازنده تعارض‌ها را فراهم سازند .در مقابل، برخوردهای تبعیض‌آمیز، تنبیه‌های نامتناسب و اجرای سلیقه‌ای مقررات ممکن است اعتماد دانش‌آموزان به مدرسه را تضعیف کند و احساس بی‌عدالتی را افزایش دهد .مدیریت

رفتار مؤثر شامل شناسایی محرک‌های رفتاری، ارائه بازخورد سازنده، تقویت رفتارهای مطلوب، آموزش مهارت‌های خودکنترلی و استفاده از پیامدهای منطقی و متناسب است .در مواردی مانند قلدری، تهدید یا خشونت، مدرسه باید از سازوکارهای روشن گزارش‌دهی و رسیدگی استفاده کند و در عین حفظ حقوق دانش‌آموزان، امنیت افراد آسیب‌دیده را در اولویت قرار دهد .همچنین، میان تخلف انضباطی و رفتار مجرمانه باید تمایز گذاشت؛ زیرا هر تخلف مدرسه‌ای ماهیت کیفری ندارد و رسیدگی به رفتارهای مشمول قانون باید بر اساس مقررات مربوط انجام شود .بنابراین، انضباط آموزشی زمانی در پیشگیری از بزهکاری نقش سازنده ایفا می‌کند که با تربیت، عدالت، حمایت روانی و رعایت حقوق دانش‌آموزان همراه باشد)شکوهی، ۱۳۸۵؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

مفهوم مسئولیت حقوقی و تربیتی مدیران مدارس

مسئولیت حقوقی و تربیتی مدیران مدارس به مجموعه وظایف و تعهداتی اشاره دارد که آنان در چارچوب قوانین و مقررات آموزشی، حمایتی و انضباطی برای اداره مدرسه، حفاظت از حقوق دانش‌آموزان و فراهم‌کردن محیطی ایمن و مناسب بر عهده دارند .مسئولیت حقوقی به رعایت الزامات قانونی، اجرای صحیح مقررات، توجه به تکالیف مربوط به حفاظت از دانش‌آموزان و اقدام متناسب در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز مربوط می‌شود؛ درحالی‌که مسئولیت تربیتی بر هدایت رفتار، تقویت ارزش‌های اخلاقی، توسعه مهارت‌های اجتماعی و حمایت از رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان تأکید دارد .این دو حوزه از یکدیگر جدا نیستند؛ زیرا رعایت حقوق دانش‌آموزان، جلوگیری از تبعیض و برخورد محترمانه با آنان، بخشی از مسئولیت تربیتی مدیریت مدرسه نیز محسوب می‌شود .مدیر باید ضمن ایجاد رویه‌های روشن برای گزارش و رسیدگی به حوادث، کارکنان را از وظایف خود آگاه سازد، موارد نیازمند مداخله تخصصی را پیگیری کند و از افشای غیرضروری اطلاعات شخصی دانش‌آموزان جلوگیری نماید .در موقعیت‌هایی که نشانه‌های آزار، غفلت یا خطر جدی وجود دارد، اقدام مدیر باید با قوانین حمایتی و تکالیف قانونی مربوط هماهنگ باشد .قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ از جمله قوانین مهم در زمینه حمایت از افراد زیر سن قانونی در برابر وضعیت‌های مخاطره‌آمیز است .بااین‌حال، تعیین مسئولیت حقوقی مدیر در هر مورد مشخص، به نوع وظیفه، شرایط واقعه، مقررات قابل‌اعمال و شواهد موجود بستگی دارد .بنابراین، آگاهی حقوقی، مستندسازی مناسب، آموزش کارکنان و استفاده از مشاوره تخصصی

می‌تواند به اجرای دقیق‌تر مسئولیت‌های حقوقی و تربیتی مدیران مدارس کمک کند)علاقه‌بند، ۱۳۸۴؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

جایگاه حقوق کودک و نوجوان در سیاست‌های پیشگیری از بزهکاری

حقوق کودک و نوجوان مجموعه‌ای از حقوق بنیادین است که با هدف حمایت از کرامت انسانی، رشد سالم، امنیت، آموزش، سلامت و مشارکت متناسب با سن آنان به رسمیت شناخته می‌شود .در سیاست‌های پیشگیری از بزهکاری، توجه به این حقوق اهمیت اساسی دارد؛ زیرا نوجوانان نباید صرفاً به‌عنوان موضوع کنترل و انضباط در نظر گرفته شوند، بلکه باید به‌عنوان افرادی در حال رشد شناخته شوند که برخورداری از حمایت، فرصت آموزش و رفتار عادلانه برای آنان ضروری است .سیاست‌های پیشگیرانه مبتنی بر حقوق کودک و نوجوان بر جلوگیری از خشونت و تبعیض، شناسایی زودهنگام شرایط مخاطره‌آمیز، حفظ حریم خصوصی، دسترسی به خدمات حمایتی و استفاده از اقدامات متناسب با وضعیت فرد تأکید دارند .در محیط مدرسه، رعایت این اصول مستلزم آن است که رسیدگی به رفتارهای پرخطر با حفظ شأن دانش‌آموز، توجه به مصلحت او و پرهیز از تحقیر و برچسب‌زنی انجام شود .همچنین، در برخورد با نوجوانانی که مرتکب رفتار خلاف قانون شده‌اند، ضرورت دارد میان پاسخ‌گویی متناسب به رفتار و حمایت از حقوق فردی آنان تعادل برقرار شود .قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ یکی از مبانی حقوقی مهم در نظام حمایتی ایران است که به وضعیت‌های مخاطره‌آمیز و مسئولیت‌های مرتبط با حمایت از کودکان و نوجوانان می‌پردازد .از سوی دیگر، کنوانسیون حقوق کودک نیز اصولی مانند توجه به مصلحت کودک، عدم تبعیض و حق برخورداری از حمایت را مطرح می‌کند .بر این اساس، سیاست‌های پیشگیری از بزهکاری زمانی با رویکرد حقوق‌محور هماهنگ هستند که ضمن حفظ امنیت مدرسه و جامعه، از حقوق نوجوانان صیانت کنند و زمینه اصلاح رفتار و بازگشت آنان به مسیر رشد اجتماعی را فراهم آورند)قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹؛ کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹).

چارچوب‌های قانونی حمایت از نوجوانان در محیط‌های آموزشی

حمایت قانونی از نوجوانان در محیط‌های آموزشی بر مجموعه‌ای از قوانین و مقررات استوار است که هدف آن‌ها تضمین حق آموزش، حفاظت از سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان، جلوگیری از آزار و تبعیض و تعیین تکالیف اشخاص و نهادهای مسئول است .در ایران، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ از

مهم‌ترین منابع قانونی مرتبط با حمایت از کودکان و نوجوانان در برابر وضعیت‌های مخاطره‌آمیز به شمار می‌رود . همچنین، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوانین مرتبط با آموزش‌وپرورش و مقررات اجرایی مدارس در تعیین اصول و الزامات عمومی محیط آموزشی نقش دارند .مدیران مدارس باید ضمن آگاهی از مقررات مرتبط، رویه‌های داخلی مدرسه را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که با حقوق قانونی دانش‌آموزان تعارض نداشته باشد و رسیدگی به حوادث، گزارش موارد نگران‌کننده و ارجاع به مراجع مسئول بر اساس ضوابط انجام گیرد .در مواردی که احتمال آزار، غفلت یا تهدید جدی علیه سلامت و امنیت نوجوان مطرح است، مدرسه باید از محدودکردن موضوع به اقدامات انضباطی خودداری کرده و تکالیف حمایتی و قانونی مربوط را رعایت کند .در عین حال، رعایت محرمانگی اطلاعات، ثبت دقیق وقایع، شنیدن اظهارات افراد درگیر و پرهیز از قضاوت پیش از بررسی شواهد اهمیت دارد .چارچوب قانونی همچنین باید میان وظایف آموزشی و تربیتی مدرسه و اختیارات مراجع قضایی و حمایتی تمایز قائل شود؛ زیرا مدیر مدرسه اختیار جایگزینی فرایندهای قانونی یا تعیین مسئولیت کیفری افراد را ندارد .بنابراین، آموزش حقوقی مدیران و کارکنان، دسترسی به دستورالعمل‌های معتبر و ایجاد مسیرهای روشن برای گزارش‌دهی و ارجاع، از الزامات حمایت مؤثر از نوجوانان در محیط‌های آموزشی است)قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

نقش قوانین و مقررات انضباطی مدارس در پیشگیری از بزهکاری

قوانین و مقررات انضباطی مدارس با مشخص‌کردن انتظارات رفتاری، تعیین حدود مسئولیت‌ها و پیش‌بینی شیوه‌های رسیدگی به تخلفات، در حفظ نظم و امنیت محیط آموزشی نقش دارند .وجود مقررات روشن می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند پیامدهای رفتارهای خود را بهتر بشناسند و نسبت به حقوق همسالان و کارکنان مدرسه آگاهی بیشتری پیدا کنند .بااین‌حال، اثرگذاری مقررات انضباطی به نحوه تدوین، اطلاع‌رسانی و اجرای آن‌ها وابسته است؛ زیرا قواعدی که مبهم، تبعیض‌آمیز یا نامتناسب باشند، ممکن است به احساس بی‌عدالتی و تضعیف اعتماد دانش‌آموزان منجر شوند .مقررات مؤثر باید متناسب با سن و شرایط دانش‌آموزان، منطبق با قوانین بالادستی و مبتنی بر احترام به کرامت انسانی باشند .همچنین، دانش‌آموزان باید از شیوه گزارش تخلف، مراحل بررسی و امکان بیان توضیحات خود آگاه باشند .در برخورد با رفتارهای آسیب‌زا، استفاده از اقدامات اصلاحی مانند گفت‌وگوی تربیتی، آموزش مهارت‌های اجتماعی، مشاوره و جبران مناسب آسیب، در کنار سایر اقدامات مجاز می‌تواند به یادگیری مسئولیت‌پذیری کمک کند .با وجود این، تخلفات انضباطی باید از رفتارهای

دارای وصف مجرمانه تفکیک شوند و مواردی که مشمول الزامات قانونی خاص هستند، مطابق مقررات مربوط پیگیری شوند .مدیران مدارس نیز مسئول‌اند که از اجرای سلیقه‌ای مقررات جلوگیری کنند و بر تناسب واکنش‌ها، ثبت مستندات و رعایت حقوق دانش‌آموزان نظارت داشته باشند .بنابراین، مقررات انضباطی زمانی می‌توانند به پیشگیری از بزهکاری کمک کنند که در چارچوب قانونی و با رویکردی آموزشی و اصلاحی اجرا شوند، نه آنکه صرفاً ابزار تنبیه یا کنترل ظاهری رفتار باشند)شکوهی، ۱۳۸۵؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

نقش عدالت ترمیمی و رویکردهای اصلاحی در مواجهه با رفتارهای بزهکارانه نوجوانان

عدالت ترمیمی رویکردی در مواجهه با رفتار مجرمانه است که علاوه بر توجه به مسئولیت فرد مرتکب، بر شناسایی آسیب واردشده، جبران خسارت، ترمیم روابط آسیب‌دیده و مشارکت مسئولانه افراد مرتبط تأکید می‌کند .در حوزه نوجوانان، این رویکرد می‌تواند در شرایط مناسب فرصتی فراهم سازد تا نوجوان پیامدهای رفتار خود را درک کند، مسئولیت آن را بپذیرد و برای جبران آسیب‌های واردشده اقدام کند .گفت‌وگوی هدایت‌شده، میانجی‌گری در موارد واجد شرایط، توافق بر جبران خسارت و مشارکت در برنامه‌های اصلاحی از جمله شیوه‌هایی هستند که ممکن است در چارچوب قانونی و با رعایت حقوق طرفین مورد استفاده قرار گیرند . بااین‌حال، عدالت ترمیمی به معنای نادیده‌گرفتن جرم، حذف مسئولیت قانونی یا تحمیل آشتی بر فرد آسیب‌دیده نیست؛ بلکه اجرای آن مستلزم رعایت شرایط قانونی، رضایت آگاهانه افراد در موارد لازم، حفظ امنیت و جلوگیری از بازآسیب‌رسانی است .در محیط مدرسه، برخی اصول ترمیمی را می‌توان در رسیدگی به تعارض‌های دانش‌آموزی، قلدری و تخلفات رفتاری متناسب به کار گرفت؛ برای مثال، از دانش‌آموز خواسته شود پیامدهای رفتار خود را بشناسد، آسیب واردشده را درک کند و در صورت امکان و تناسب، برای اصلاح آن اقدام کند .نقش مدیر در این زمینه فراهم‌کردن فرایندی منصفانه، جلوگیری از تحقیر و هماهنگی با مشاوران و خانواده‌هاست .در مواردی که رفتار دارای وصف مجرمانه است، اقدامات مدرسه باید از حدود اختیارات آن فراتر نرود و الزامات قانونی رعایت شود .بنابراین، عدالت ترمیمی و رویکردهای اصلاحی می‌توانند در کنار سازوکارهای قانونی، به تقویت مسئولیت‌پذیری و بازپذیری اجتماعی نوجوانان کمک کنند)قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

چالش‌های اجرایی و حقوقی مدیریت آموزشی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان

مدیریت آموزشی در مسیر پیشگیری از بزهکاری نوجوانان با چالش‌های اجرایی، سازمانی، تربیتی و حقوقی متعددی روبه‌رو است که می‌توانند اثربخشی برنامه‌های پیشگیرانه را محدود کنند .کمبود مشاوران متخصص، تراکم دانش‌آموزان، محدودیت منابع مالی، نبود آموزش کافی برای مدیران و معلمان و ضعف ارتباط میان مدرسه و خانواده از جمله موانع اجرایی این حوزه هستند .از سوی دیگر، ترس خانواده‌ها از برچسب‌خوردن فرزند، بی‌اعتمادی به مدرسه، پنهان‌ماندن برخی آسیب‌ها و نبود سازوکارهای هماهنگ برای ارجاع موارد نیازمند حمایت ممکن است شناسایی زودهنگام مشکلات را دشوار سازد .در بعد حقوقی نیز ناآگاهی از تکالیف قانونی، ابهام در تشخیص حدود اختیارات مدرسه، ضعف مستندسازی، احتمال نقض محرمانگی و خلط تخلفات انضباطی با رفتارهای مجرمانه از مسائل مهم به شمار می‌روند .مدیران باید میان ضرورت حفظ امنیت محیط آموزشی، رعایت حقوق دانش‌آموزان و تکالیف قانونی مرتبط تعادل برقرار کنند؛ امری که بدون دستورالعمل‌های روشن و آموزش تخصصی دشوار خواهد بود .همچنین، برخوردهای صرفاً تنبیهی یا اقدامات بدون ارزیابی دقیق ممکن است موجب افزایش تعارض و کاهش اعتماد دانش‌آموزان به مدرسه شود .مقابله با این چالش‌ها نیازمند توسعه منابع مشاوره‌ای، آموزش حقوقی کارکنان، ایجاد نظام ارجاع مشخص، تقویت همکاری بین‌بخشی و تدوین برنامه‌های پیشگیرانه مبتنی بر شواهد است .قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ می‌تواند یکی از مبانی قانونی توجه به حمایت از نوجوانان در معرض خطر باشد، اما اجرای اثربخش آن مستلزم شناخت دقیق تکالیف قانونی و هماهنگی میان نهادهای مسئول است .در نتیجه، رفع موانع پیشگیری از بزهکاری به ترکیبی از اصلاح فرایندهای مدیریتی، افزایش توان حرفه‌ای کارکنان و تقویت زیرساخت‌های حمایتی نیاز دارد)علاقه‌بند، ۱۳۸۴؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

راهکارهای ارتقای اثربخشی مدیریت آموزشی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان

ارتقای اثربخشی مدیریت آموزشی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان مستلزم طراحی برنامه‌ای جامع، مستمر و متناسب با نیازهای دانش‌آموزان است که اقدامات تربیتی، حمایتی و قانونی را در چارچوبی هماهنگ قرار دهد. نخستین راهکار، توانمندسازی مدیران و معلمان از طریق آموزش مهارت‌های مدیریت رفتار، شناسایی نشانه‌های هشداردهنده، ارتباط مؤثر با نوجوانان و آگاهی از مقررات حمایتی است. دومین راهکار، توسعه خدمات مشاوره‌ای و فراهم‌کردن مسیرهای مشخص برای ارجاع دانش‌آموزان نیازمند حمایت تخصصی است. سومین راهکار، تقویت ارتباط خانواده و مدرسه از طریق نشست‌های هدفمند، آموزش والدین و تبادل اطلاعات ضروری با رعایت

محرمانگی است. همچنین، تدوین دستورالعمل‌های روشن برای مقابله با قلدری، خشونت، تبعیض و سایر رفتارهای آسیب‌زا می‌تواند به افزایش امنیت و اعتماد در محیط آموزشی کمک کند. بهره‌گیری از آموزش مهارت‌های زندگی، فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی، مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های متناسب با سن و استفاده از روش‌های اصلاحی به‌جای برخوردهای تحقیرآمیز نیز اهمیت دارد. علاوه بر این، مدیریت مدرسه باید با ارزیابی دوره‌ای وضعیت غیبت، افت تحصیلی، تعارض‌های رفتاری و میزان احساس تعلق دانش‌آموزان، نقاط ضعف برنامه‌های پیشگیرانه را شناسایی کند. در این ارزیابی‌ها باید از تفسیر شتاب‌زده داده‌ها و برچسب‌زنی به دانش‌آموزان پرهیز شود و اطلاعات صرفاً برای بهبود حمایت و کیفیت محیط آموزشی به کار رود. همکاری با نهادهای اجتماعی و حمایتی نیز می‌تواند دسترسی دانش‌آموزان به خدمات مورد نیاز را تسهیل کند. بر این اساس، مدیریت آموزشی زمانی در پیشگیری از بزهکاری اثربخش‌تر خواهد بود که بر رهبری مشارکتی، عدالت آموزشی، پاسخ‌گویی، حمایت مستمر و ارزیابی مبتنی بر شواهد استوار باشد (علاقه‌بند، ۱۳۸۴؛ شکوهی، ۱۳۸۵؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

الگوی تلفیقی راهکارهای حقوقی و تربیتی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان

الگوی تلفیقی راهکارهای حقوقی و تربیتی، چارچوبی برای هماهنگ‌کردن الزامات قانونی، مداخلات آموزشی و خدمات حمایتی با هدف پیشگیری از بزهکاری نوجوانان است. در این الگو، مدرسه نه صرفاً نهادی برای کنترل تخلفات و اجرای مقررات، بلکه محیطی برای شناسایی نیازها، تقویت مهارت‌های اجتماعی، حمایت از حقوق دانش‌آموزان و فراهم‌کردن فرصت اصلاح رفتار در نظر گرفته می‌شود. بخش حقوقی الگو شامل آگاهی مدیران و کارکنان از قوانین مربوط، تدوین رویه‌های روشن برای گزارش و رسیدگی به حوادث، رعایت محرمانگی و ارجاع موارد ضروری به مراجع ذی‌صلاح است. بخش تربیتی نیز بر آموزش مهارت‌های زندگی، تربیت اخلاقی، مشاوره، مدیریت سازنده تعارض‌ها، تقویت رابطه معلم و دانش‌آموز و فراهم‌کردن فرصت مشارکت اجتماعی تمرکز دارد. در کنار این دو بخش، مؤلفه حمایتی با همکاری خانواده، مشاوران و نهادهای اجتماعی می‌تواند شرایطی فراهم کند تا مشکلات فردی و محیطی نوجوانان به‌صورت هماهنگ بررسی شوند. اجرای این الگو مستلزم تفکیک تخلفات انضباطی از رفتارهای مجرمانه، تناسب مداخلات با شرایط هر مورد و رعایت حقوق نوجوانان است. همچنین، برنامه‌های پیشگیرانه باید در سطوح همگانی، حمایت هدفمند از دانش‌آموزان در معرض خطر و مداخلات تخصصی برای موارد پیچیده طراحی شوند. ارزیابی مستمر نتایج، آموزش کارکنان و اصلاح برنامه‌ها بر

اساس شواهد نیز از الزامات اجرای موفق الگو محسوب می‌شود. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ می‌تواند مبنای حقوقی بخشی از اقدامات حمایتی باشد؛ بااین‌حال، انطباق هر اقدام با قانون باید بر اساس شرایط واقعی و مقررات مرتبط بررسی شود. در مجموع، تلفیق راهکارهای حقوقی و تربیتی می‌تواند به ایجاد نظامی پیشگیرانه منجر شود که هم امنیت و نظم مدرسه را حفظ کند و هم از رشد سالم، اصلاح رفتار و بازپذیری اجتماعی نوجوانان حمایت نماید (علاقه‌بند، ۱۳۸۴؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مدیریت آموزشی یکی از ارکان اساسی پیشگیری از بزهکاری نوجوانان به شمار می‌رود؛ زیرا مدرسه علاوه بر مسئولیت آموزش و پرورش علمی دانش‌آموزان، وظیفه مهمی در رشد اخلاقی، اجتماعی و رفتاری آنان بر عهده دارد .بزهکاری نوجوانان پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر تعامل عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی شکل می‌گیرد؛ ازاین‌رو، مقابله با آن مستلزم اتخاذ رویکردی جامع و پرهیز از راهکارهای مقطعی و صرفاً تنبیهی است .در این میان، مدیران مدارس با ایجاد محیطی امن، عادلانه و حمایتگر، شناسایی زودهنگام رفتارهای پرخطر، تقویت ارتباط میان معلمان و دانش‌آموزان و توسعه خدمات مشاوره‌ای می‌توانند نقش مؤثری در کاهش عوامل زمینه‌ساز بزهکاری ایفا کنند. از سوی دیگر، راهکارهای تربیتی مانند آموزش مهارت‌های زندگی، تقویت مسئولیت‌پذیری، پرورش ارزش‌های اخلاقی، آموزش حل تعارض و فراهم‌کردن فرصت مشارکت اجتماعی، زمینه لازم را برای ارتقای خودکنترلی و سازگاری اجتماعی نوجوانان فراهم می‌سازند .اجرای اثربخش این اقدامات مستلزم همکاری مستمر میان مدرسه، خانواده و نهادهای اجتماعی است؛ زیرا هیچ‌یک از این نهادها به‌تنهایی قادر به شناسایی و رفع تمام عوامل مؤثر بر بزهکاری نیستند .همچنین، توجه به حقوق کودک و نوجوان، آگاهی از مسئولیت‌های قانونی مدیران و رعایت اصول عدالت، تناسب و محرمانگی در رسیدگی به مسائل دانش‌آموزان، از الزامات اساسی مدیریت آموزشی در این حوزه محسوب می‌شود. از منظر حقوقی، مقررات حمایتی و انضباطی باید در راستای حفاظت از امنیت و حقوق دانش‌آموزان اجرا شوند و میان تخلفات انضباطی و رفتارهای دارای وصف مجرمانه تمایز روشنی وجود داشته باشد .در مواجهه با رفتارهای آسیب‌زا نیز استفاده از رویکردهای اصلاحی، مشاوره‌ای و ترمیمی در موارد مناسب می‌تواند به پذیرش مسئولیت، جبران آسیب و بازگشت نوجوان به مسیر سالم زندگی کمک کند .تحقق این اهداف به توانمندسازی مدیران و معلمان، توسعه امکانات مشاوره‌ای، تدوین دستورالعمل‌های روشن، تقویت مشارکت خانواده‌ها و ایجاد سازوکارهای

هماهنگ میان نهادهای مسئول نیاز دارد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که پیشگیری مؤثر از بزهکاری نوجوانان مستلزم تلفیق مدیریت آموزشی کارآمد با راهکارهای حقوقی و تربیتی است .مدرسه‌ای که در آن نظم با عدالت، انضباط با تربیت و نظارت با حمایت همراه باشد، ظرفیت بیشتری برای شناسایی مشکلات رفتاری و کاهش عوامل خطر خواهد داشت .بنابراین، پیشنهاد می‌شود مدیران مدارس به‌جای تمرکز صرف بر کنترل تخلفات، رویکردی پیشگیرانه، مشارکتی و دانش‌آموزمحور اتخاذ کنند و با بهره‌گیری از ظرفیت خانواده‌ها، مشاوران و نهادهای حمایتی، زمینه رشد سالم، تقویت مسئولیت‌پذیری و ارتقای سلامت اجتماعی نوجوانان را فراهم آورند .چنین رویکردی می‌تواند علاوه بر کاهش احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه، به بهبود کیفیت محیط آموزشی و تقویت نقش مدرسه در تربیت شهروندانی مسئولیت‌پذیر و قانون‌مدار منجر شود.

منابع

جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸؛ بازنگری ۱۳۶۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۲). قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک.

جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی.

جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۹). قانون حمایت از اطفال و نوجوانان.

سازمان جهانی بهداشت. (۱۹۹۷). آموزش مهارت‌های زندگی برای کودکان و نوجوانان در مدارس. ژنو: سازمان جهانی بهداشت.

سازمان ملل متحد. (۱۹۸۹). کنوانسیون حقوق کودک.

ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آوای نور.

سیف، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: انتشارات دوران.

شکوهی، غلامحسین. (۱۳۸۳). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: به‌نشر.

علاقه‌بند، علی. (۱۳۹۳). مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی. تهران: انتشارات روان.

محسنی تبریزی، علیرضا. (سال انتشار مشخص نشده). آثار مرتبط با کجروی و انحرافات اجتماعی.

نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین. (سال انتشار مشخص نشده). آثار مرتبط با جرم‌شناسی و حقوق کیفری نوجوانان.